

پرده چهارم: سیاست انباشت با گرسنه‌سازی مردم – درباره حذف ارز ترجیحی

ksazmandeh.com/2022/05/13/حذف-ارز-ترجیحی-ریاضت-اقتصادی/

کمیته عمل

23 اردیبهشت 1401



زمان مطالعه: 10 دقیقه

پرده چهارم: سیاست انباشت با گرسنه‌سازی مردم

درباره حذف ارز ترجیحی و یارانه‌زایی‌های دیگر در پوشش آن

مقدمه:

همانطور که در پرده‌های قبلی (اول و دوم و سوم) توضیح دادیم، دور جدید سیاست‌های ریاضتی، میان‌بری است که حکومت برای حفظ ماشین جنگی پرهزینه‌اش در شرایط تحریمی برگزیده. اجرای این سیاست‌های جنایتکارانه اقتصادی اما پس از نقطه عطف آبان ۹۸ ممکن نبوده مگر با توسل به بیش‌محرم‌انگی، سیاست فرسایش، تکذیب و انکار، فریب و درز قطر‌مچکانی اطلاعات متناقض از طرح‌ها. تمام این موارد عین به عین در سیاست حذف ارز ترجیحی اجرا شده‌اند.

در روزهای گذشته و در اثر حذف ارز ترجیحی، مهم‌ترین اقلام خوراکی (از روغن و نان و ماکارونی و بیسکویت و سایر محصولات آردی تا فراورده‌های دامی مثل تخم‌مرغ، گوشت سفید و قرمز، لبنیات و غیره) جهش قیمتی ۲ تا ۱۰ برابری داشته‌اند، اما چنانکه در این متن نشان خواهیم داد، حمله در همین‌جا متوقف نمی‌شود. قبل از هر چیز اما یکبار برای همیشه باید این را با صدای بلند گفت که: اختصاص یارانه ارزی به کالاهای مصرفی در فروردین ۹۷، از همان اول هم نه از سر دلسوزی حکومت بود و نه به هدف فقرزدایی، بلکه دستاورد خیزشی بود که در دی ۹۶ شعله‌ور شد و حکومت را واداشت تا بلافاصله فکری به حال کنترل قیمت‌های بازار کند تا مگر خودش در آتش خشم توده‌های مردم نسوزد. این یارانه، به بهای خون همین مردم بوده و در جنگی که حالا حکومت برای پس گرفتنش به راه انداخته هم حفظ نمی‌شود مگر با مبارزه جمعی همین مردم. مبارزه‌ای که اولین سنگ‌هایش همین روزها در خوزستان و چهارمحال و بختیاری برپا شده.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی اما حداقل از دو سال قبل خوب از خطر وقوع شورش پس از اجرای این سیاست آگاه بودند. از این روست که جلسه پشت جلسه برای چنین لحظه‌ای تمهیدات چیده بودند؛ از جمله جلسه محرمانه رئیس اطلاعات سپاه با مجلس درباره پرونده حذف ارز ترجیحی [1]، اظهارات تعمداً مبهم، کذب و ضد و نقیض درباره نحوه و زمان اجرای سیاست، به تعویق‌اندازی تصویب قانون بودجه به آخرین لحظات اسفند (که مهر تأیید نهایی را بر اجرای این سیاست در سال جاری گذاشت تا محتوای درزکرده از جلسات مقامات امنیتی درباره نحوه کنترل اخبار حذف ارز ترجیحی [2]، همه و همه حکایت از هراسی مفرط از چنین چشم‌انداز اعتراضی را داشت.

اطلاعات درز کرده از جلسه نهادهای امنیتی درباره حذف ارز ترجیحی و توصیه به مدیریت جنگ رسانه‌ای به نحوی که مانع از وقوع اعتراضات اجتماعی شود

آذر ۱۴۰۰

در خصوص ارز ۴۲۰۰... محرمانگی تصمیمات در
نظام رعایت نشده و پیوست عملیات روانی و
پیوست امنیتی برای آن لحاظ نشده است.



مسئول اقتصادی
اطلاعات سپاه



بخش اقتصادی
اطلاعات سپاه
(نام مسئول: محراب)

در حال حاضر تعداد ۲۰ قلم کالا از ارز ترجیحی
حذف شده و هیچ اتفاقی نیافتاده و میتوان این
طرح را بدون هیچ سر و صدایی اجرا کرد... اما
پیوست‌های عملیات روانی و امنیتی ضروری است

در خصوص ارز ۴۲۰۰... انعکاس رسانه‌ای
بدون پیوست عملیات روانی است.



معاونت اجتماعی
اطلاعات سپاه



معاونت اطلاعات
قرارگاه ثارالله

احتمال امنیتی شدن جامعه در زمان اجرا متصور
است... عملیات روانی دشمن... اعتراضات
اجتماعی را به همراه دارد و به لحاظ امنیتی نباید
دچار غفلت شویم.

منبع: اسناد افشاشده از گروه عدالت علی - رادیو فردا - ۱۳ بهمن ۱۴۰۰

یارانه کالاهای اساسی: دعوای طبقاتی و نه درون‌جناحی

از زمان دست به دست شدن قدرت از روحانی به رئیسی، همان جناحی که تا دیروز در رسانه‌هایش با افتخار بر حذف یارانه ۲۰ قلم از کالاهای اساسی مانور می‌داد، ناگهان در یک چرخش قلم به مخالف سینه چاک این سیاست بدل شده و حالا یا در مطبوعاتش فریاد و امصیبتا می‌دهد که کمر مردم خواهد شکست و یا از این فرصت برای تکرار رویای برجامی خود استفاده می‌کند. از آنسو جناح رئیسی هم که تا پیش از گرفتن دولت، مدت‌ها با برپایی دادگاه‌های فساد ارزی دست‌آویز و توجیه رسانه‌ای برای این سیاست حذفی را مهیا می‌کرد، بعد از قدرت‌گیری هم با ترجیع‌بند «فساد» و «هوشمندسازی یارانه» و «کمک به مستضعفین» همان روش عوام‌فریبانه احمدی‌نژادی را برای بریدن نان مردم احیا کرد. هدف این بود که در قیل و قال آن روضه‌های «فسادستیزی» گرد و خاکی به پا شود برای گم و گور شدن پاسخ به این سؤال سراسر است و روشن که: بالأخره اگر ارز ترجیحی فسادزاست و عرضه مقابل با چنین فسادی را ندارید، مابه‌ازای حذف آن قرار است کجا هزینه

شود؟! دربار، هرچیز و همهچیز حرف زدند تا این یکی را جواب ندهند! چنانکه تا همین امروز هم که طرح به مرحله اجرا رسیده، دریغ از حتی یک سند 2 صفحه‌ای که دربار، نحو، هزینه‌کرد این سیاست جبرانی منتشر شده باشد (برای آشنایی با نمونه‌های سابقه‌دار این اطلاع‌رسانی‌های عمداً متناقض، نگاه کنید به اینجا).

در این جار و جنجال زرگری، هر دو جناح، کوهی از دروغ را در ارزی از حقیقت پنهان کردند. اختلاف‌شان اما صرفاً بر سر سهم‌خواهی از رانت اختصاصی این ارز دولتی بود و نه اختلاف بر سر حذف سهم مردم از آن! بدین گونه بود که از یکسو برخی دلالت‌ها و وارداتی‌های انحصاری اتاق بازرگانی که به این منابع ارزی دسترسی نزدیکتری داشتند، برای عدم حذف آن لابی می‌کردند و در آنسو هم جناح دیگر، بلعیدن هزینه‌های ما به ازای حذف این ارز ترجیحی را ضرورتی برای بقای جمهوری اسلامی (بخوانید حفظ ماشین جنگی‌اش) می‌دانست.

در این گرد و خاک جناحی، ضروری است که زاویه ورود به این بحث را **طبقاتی** و از منظر منافع عموم مردم نگه داریم. چه آنکه موضوعی ساده را به قدری با بمباران خبری مه‌آلود و پیچیده کرده‌اند که برای نمایاندن ساز و کار واقعی آنچه در جریان است، راهی نیست جز اینکه لایه لایه این اتهامات را کنار زنیم؛ موضوع هرگز و هرگز جلوگیری از فساد ارزی و هدررفت منابع نبوده. کنکاش در **سیاست جایگزین حذف ارز ترجیحی** است که نشان می‌دهد حکومت چطور به بهانه حذف ارز ترجیحی (و در پوشش آن) سطح وسیعی از یارانزدایی‌های دیگر را هم در حوز، کالاهای اساسی می‌خواهد به اجرا بگذارد که تعبیری از آن نمی‌توان داشت جز انباشت ثروت با مهندسی گرسنگی و قحطی دادن به مردم.

سیاست جبرانی حذف ارز ترجیحی:

حکومت چطور از پوشش حذف ارز ترجیحی برای یارانزدایی‌های دیگر استفاده کرد؟

علیرغم محرمانگی (و امتناع از تشریح شفاف سیاست جبرانی)، وقتی معهود اظهارات رسمی را بریده بریده همچون قطعات پازل کنار هم می‌چینیم تا بالآخره جوابی برای «سیاست جبرانی حذف ارز ترجیحی» پیدا کنیم، به مخرج مشترک زیر می‌رسیم:

- پرداخت نقدی درصدی از منابع ریالی یارانه ارزی سابق :
- اما چه درصدی؟ تا همین چند سال پیش، ارزی که برای یک سال مصرف کالاهای ضروری مردم (در شرایط تحریمی) اختصاص داده می‌شد ۴۸.۵ میلیارد دلار بود [3]. با همدستی هر دو جناح، این رقم را آنقدر چلانند و چلانند تا به ۱۲ میلیارد دلار رسانند و حالا بعد از «صفر» کردنش، از بلعیدن همان یارانه نهفته در ۲۲ میلیارد دلار (یعنی معادل ۲۵۰ هزار میلیارد تومان [4]) هم کوتاه نمی‌آیند. چنانکه وقتی ارقام درز کرده بابت یارانه‌های جبرانی جدید را زیر ذربین می‌گذاریم، متوجه غیب شدن حدوداً دو سوم از مابه‌ازای ریالی حذف ارز ترجیحی می‌شویم (برای محاسبات مربوطه به پانوشت مراجعه کنید [5]). در واقع برخلاف عدسازای‌های رسانه‌های رسمی که کل دعوا را به چند ده هزار میلیارد تومان تقلیل داده‌اند، رقم معیاری که حذفش از سفر، مردم محل دعواست، همان ۴۸.۵ میلیارد دلار است؛ اما گو اینکه رسانه‌های تمام جناح‌های طبقه حاکم (اعم از درون‌حکومتی یا اپوزیسیونش)، دستبرد زدن به آن منابع قبلی را مفروض و بدیهی می‌پندارند که کسی از آن صحبتی نمی‌کند.
- چرا ریالی؟ در واقع «ریالی کردن» و «ثابت نگه داشتن یارانه نقدی»، در یک شرایط فوق توری افسارگسیخته، همان دزدی با توسل به یک حقه‌بازی ریاضی و تجدید سیاست عوامفریبانه‌ای است که احمدی‌نژاد یک دهه قبل‌تر به اجرا گذاشته بود. این کار به این می‌ماند که گونی برنجی را با ده‌ها سوراخ تحویل کسی بدهید و تا طرف بخواهد گونی را بلند کند و به خانه برساند، در کمتر از چند دقیقه کل محتویات گونی خالی شده و چیزی در دستش نمی‌ماند جز یک گونی پاره پاره. به طور کلی هرگونه پرداخت یارانه نقدی به خانوارها اگر مشروط به محاسبه و پرداخت دلاری‌اش نشود، فریبکاری بیش نخواهد بود.

- **حذف یارانه‌بگیران:** تمامی اظهارنظرهای حکومتی دربارهٔ پرداخت یارانهٔ نقدی جدید حاکی از آن است که همین پرداخت ریالی غارت‌شده هم منوط به اقدام ضربتی کاهش چندین میلیونی جمعیت یارانه‌بگیر شده [6] (صحبت از حذف تقریبی ۲۶ میلیون نفر از پوشش یارانه‌بگیری است [7] و [8]). در همین قدم اول (یعنی ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱) با واریز اولین دور از یارانه‌های جبران حذف ارزش ترجیحی، مشخص شده که دولت، ۵ میلیون نفر را یکشنبه از مشمولان این یارانهٔ نقدی حذف کرده است [9] و با ارسال پیامک‌هایی آنان را به وعدهٔ سرخرمن ثبت شکایت ارجاع داده! در اینجا توضیح داده بودیم که حکومت چطور با توسل به مفهوم موهوم «دهک‌بندی درآمدی» سعی می‌کند که بخش بزرگی از کارگران و کارمندان زیر خط فقر را «پر درآمد» نشان دهد تا با توسل به این ادعا محروم‌سازی‌شان از چتر یارانه‌بگیری را توجیه کند. در واقع حالا به بهانهٔ حذف ارزش ترجیحی (و در پوشش آن)، سیاست یارانه‌زدایی بزرگتری در دست اجراست که سال‌ها حکومت سودای عمل به آن را داشت، اما فرصت اجرایش را پیدا نمی‌کرد.
- نان به قیمت جان؛ چهار حملهٔ یارانه‌زدایی در پوشش یک سیاست:

سیاست حکومت در قبال قیمت نان، نمونهٔ اعلائی است از اینکه چرا موضوع را نباید فقط به ارزش ترجیحی تقلیل داد. در واقع چنانکه گفتیم حکومت دارد از فرصت حذف ارزش ترجیحی برای پیشبرد سطح بسیار وسیع‌تری از یارانه‌زدایی‌های دیگر استفاده می‌کند. در ماجرای نان:

- حذف ارزش ترجیحی گندم فقط قدم اول بود.
- علاوه بر آن حکومت دست به حذف یارانهٔ آرد صنعتی هم زد که منجر به جهش سه برابری قیمت تمام کالاهایی با پایهٔ آرد در کشور شد (ماکارونی، بیسکویت و کیک، انواع نان‌های صنعتی و فانتزی، شیرینی‌جات و ...).
- مصرف نان سنتی برای اولین بار سهمیه‌بندی شد. یعنی درست مانند بنزین، هر فرد (تازه اگر مشمول یارانه باشد) فقط حق دارد میزان اندکی از نان یارانه‌ای را مصرف کند (که فعلاً در مرحلهٔ اول در زنجار به اجرا درآمده و در روزهای آینده به کل کشور خواهد رسید).
- نه فقط نان یارانه‌ای سهمیه‌بندی شده، بلکه میلیون‌ها نفر از مردم محروم و فقیر هم از حق بهرمندی از این نان سهمیه‌ای حذف شده‌اند؛ از جمله افراد فاقد شناسنامه (به تخمین ۱ میلیون نفر) و مهاجران افغانستانی (به تخمین ۱.۵ تا ۳ میلیون نفر).
- مضاف بر اینکه این سیاست سهمیه‌بندی نان و وابسته کردنش به ارائهٔ کارت بانکی سرپرست خانوار، بیش از همه زنان و کودکان را در معرض خطر گرسنگی و محرومیت قرار خواهد داد. چرا که نظام حقوقی حاضر، سرپرست خانوار را به طور پیش‌فرض، پدر قرار داده (حتی در مواردی که زنان سرپرست مالی و نان‌آور واقعی خانوار هستند). حال تصور کنید در بسیاری از خانواده‌هایی که پدر معتاد یا بی‌مسئولیت است، چطور این سیاست می‌تواند به گروکشی «نان» (سهمیه‌بندی‌شده) زنان و کودکان خانواده منجر شود و آنان را مجبور به استفاده از نان غیر یارانه‌ای کند.
- وقتی این داده‌ها را در کنار سیاست حذف میلیون‌ها نفر جدید از پوشش یارانه‌بگیری قرار می‌دهیم (که به معنای خروج‌شان از حق دستیابی به نان یارانه‌ای نیز هست)، چشم‌انداز فاجعه‌انگیزی که با این گرسنگی جمعی در انتظار جامعه است روشن‌تر می‌شود.

با اینحال تبعات حذف ارزش ترجیحی فقط به مصرف اقلام خوراکی خلاصه نمی‌شود؛ این سیاست در حوزهٔ دارو و نهاده‌های دامی هم اثرات هولناکی برای بیماران و کشاورزان و دامداران به همراه خواهد داشت که مجال دیگر را برای پرداختن می‌طلبم (خصوصاً به دلیل اینکه تا این لحظه تمام جزئیات یارانهٔ دارویی به شرکت‌های بیمه مسکوت و محرمانه بوده).

در یک کلام اگر آنچه در این روزها در کشور می‌گذرد را خلاصه کنیم، ماجرا از این قرار است: جمهوری اسلامی در تقلا برای مسدود کردن آخرین منافذ تنفس نه فقط طبقهٔ کارگر و له‌شده‌ترین لایه‌های جامعه، که بسی فراتر از آن است. اما خوب می‌داند که این بدون واکنش عمومی و نبرد مردمی نخواهد بود. جنبشی که از دی‌ماه ۹۶ آغاز شد، در آبان ۹۸ به اوج رسید و همین ساعات دوباره دارد عرض اندام می‌کند، مسأله‌اش دیگر این نیست که صرفاً چند صباحی طرح‌های ریاضت اقتصادی جدید را عقب بزند. این جنبش بنای آن دارد که ریشهٔ وضع موجود (جمهوری اسلامی) را از زمین در آورد.

کمیته عمل سازمانده کارگری - ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۱

[3] این آمار مربوط به سال شروع سیاست اختصاص ارز ترجیحی (یعنی ۹۷) است (منبع).

[4] با ضرب کردن میزان تفاوت نرخ ارز ترجیحی (دلار ۴۲۰۰ تومان) و نرخ ارز آزاد (دلار حدود ۲۵ هزار تومان) در عدد ۱۲ میلیارد دلار (میزان ارز تخصیصی سالانه)، به عددی در حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسیم.

[5] اصولاً امتناع دولت از اعلام ارقام یارانه‌های ریالی جبرانی، دقیقاً به هدف پنهان‌سازی همین دستبندی است که عزم دارد به تنمّه این ۱۲ میلیارد دلار بزند. زیر فشار اعتراضات خیابانی که از هفته سوم اردیبهشت ماه در واکنش به گرانی‌ها ایجاد و منجر به قطع اینترنت خوزستان شد، دولت وادار شد تا وعده پرداخت یارانه ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومانی را تنها برای ۲ ماه بدهد تا بلکه جلوی اعتراضات گرفته شود. وقتی دولت به صراحت اعلام کرده که این یارانه‌ها فقط برای ۲ ماه داده می‌شوند، پس مطلقاً نمی‌توان برای محاسبه بلندمدت به آن‌ها تکیه کرد. در عوض معهود اطلاعات درز کرده از برنامه بلندمدت یارانه‌ای حکومت، از جمله داده‌های درز کرده از جلسه مقامات امنیتی سیاه (مورخ آبان ۱۴۰۰)، نشان می‌دهد که سیاست جبرانی ناشی از حذف ارز ترجیحی، پرداخت یارانه نقدی ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تومانی به ۶ دهک از جامعه است که به عبارتی معادل حدوداً ۶۱ هزار میلیارد تومان در سال جاری خواهد بود. اگر رقم ارز دارو (۲ میلیارد دلار) را از مبلغ تخصیصی ارز ترجیحی کم کنیم (یعنی فرض محال کنیم که حکومت عیناً یارانه این ۲ میلیارد دلار را -حدوداً ۴۱.۵ هزار میلیارد تومان- در حوزه دارویی هزینه خواهد کرد)، باز هم در این صورت با غیب شدن حدود دو سوم از بودجه مابه‌ازای ریالی حذف ارز ترجیحی مواجه می‌شویم!

۵۱ میلیون نفر x ۱۰۰ هزار تومان x ۱۲ ماه سال	۶۱/۲ هزار میلیارد تومان (یارانه نقدی)
۲۰۸۰۰ تومان (مابه‌التفاوت ارز دولتی و آزاد) x ۲ میلیارد (ارز دارو)	۴۱/۶ هزار میلیارد تومان (یارانه دارو)
مجموع: ۱۰۲/۸ هزار میلیارد تومان (معادل با: ۴۰ درصد کل یارانه ارز ترجیحی پارسال)	

البته رسانه‌های عوام‌فریب دولت سعی می‌کنند که با اشاره به ردیف ۱۸ جدول تبصره ۱۴ بودجه امسال، یک رقم ۱۶۱ هزار میلیارد تومانی را هم به «مصارف» مابه‌ازای حذف ارز ترجیحی اضافه کنند که باز هم نوعی حقه‌بازی است؛ چرا که اولاً رقم تخصیصی این ردیف، الزام‌آور نیست (مجلس، قید «می‌تواند استفاده کند» را به آن پیوست کرده)؛ ثانیاً اگر هم عین رقم از سوی دولت استفاده شود، اساساً مصرفش هیچگونه ربطی به یارانه کالاهای اساسی ندارد، چون محتوای این ردیف بودجه صرفاً ذکر کرده که این ۱۶۱ هزار میلیارد تومان می‌تواند صرف وادان کالاهای اساسی شود، بدون اینکه دولت را ملزم به این کرده باشد که بعد از واردات، آن کالاها را به شکل یارانه‌ای و غیر آزاد در دسترس مردم قرار دهد! یعنی به عبارتی اصلاً خود این ردیف، یک روش درآمدی بالقوه از دلاری کردن قیمت کالاهای مصرفی در ایران است، چرا که حالا با حذف دلان بخش خصوصی، دولت خود در مقام وارداتی انحصاری این کالاها و کسب سود از قیمت دلاری شدن آن در داخل کشور قرار خواهد گرفت. پس تا زمانیکه هیچ الزامی درباره ارائه این کالاهای وارداتی به قیمت یارانه‌ای وجود ندارد، با هیچ منطقی نمی‌توان و نباید عدد ۱۶۱ مهت را به پای یارانه‌های مصرفی مردم نوشت.

اما موضوع به همینجا ختم نمی‌شود، دولت و مجلس برخی عددسازی‌های دیگر را هم به پای مصارف مابه‌ازای حذف ارز ترجیحی نوشته‌اند (از جمله افزایش ۳۵۰۰ تومانی قیمت خرید تضمینی گندم). درحالیکه اولاً سال‌هاست جهش قیمت کود و ماشین آلات، شکاف انباشته‌ای را میان قیمت تولید و قیمت فروش تضمینی گندم به دولت به وجود آورده بود که دولت را در مقام انتقاع و کشاورزان را در مقام متضرر از این تثبیت قیمتی قرار داده بود و بنابراین افزایش ۳۵۰۰ تومانی قیمت خرید تضمینی گندم در سال جاری را هم چیزی جز جبران همان شکاف سابق نمی‌توان فرض کرد و مجدداً نوشتن این مصارف به پای جبران یارانه‌های حذف ارز ترجیحی فریبکارانه است؛ چون ربطی به مصرف عمومی کالاهای اساسی ندارد. ثانیاً اصولاً این افزایش ناچیز قیمت خرید تضمینی هم در مقابل فشاری که قرار است به خاطر دلاری شدن قیمت نهاده‌های دامی و

افزایش آتی قیمت آب بر کشاورزان فقیر تحمیل شود «هیچ» است. یعنی مجدداً در اینجا هم با عوامفریبی مضاعف و «یک تیر و دو نشان» طرف هستیم؛ هم مصارف حوزه‌های بی‌ربط را به پای یارانه کالاهای اساسی می‌نویسند و هم از آن برای تخدیر کشاورزان در مقابل حملات جدیدی که برای غارت دسترنجشان در فکر دارند استفاده می‌کنند.

[6] درحالی‌که بنا به آخرین آمار (شهریور ۱۴۰۰)، نزدیک به ۹۰٪ مردم یارانه بگیر هستند، حکومت برای حذف ۳۰٪ از جمعیت تحت پوشش یارانه خیز برداشته.

[7] به نقل از اطلاعات درزکرده از جلسه محرمانه سپاه، قرار است یارانه ۴ دهک جمعیت (در طی اجرای حذف ارز ترجیحی) حذف شود.

<https://www.radiofarda.com/a/radio-farda-exclusive-report-protests-iran/31682008.html>

[8] پرداخت یارانه ارز ترجیحی به تنها هفت دهک از جمعیت؛ نقل از جعفر قادری (عضو کمیسیون تلفیق مجلس) - ۱۴ فروردین ۱۴۰۱

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1213924>

[9] آخرین آمار اعلامی سازمان هدفمندی حکایت از وجود ۷۷.۵ میلیون نفر تحت پوشش یارانه داشت، درحالی‌که دولت رئیسی، یارانه جدید نقدی اردیبهشت ۱۴۰۱ را تنها برای ۷۲.۵ میلیون نفر واریز کرده.